



یادداشت

علیرضا شریفی یزدی
جامعه‌شناس

به رسمیت شناختن اعتراض گامی ضروری است

به رسمیت شناختن اعتراض و گفت‌وگو با معترضان از سوی دولت، در کلیت خود اقدامی ارزشمند و در جای خود امیدوارکننده است. در چهار دهه گذشته، ما هیچ‌گاه مرز روشنی میان «معترض» و «اشوبگر» قائل نبوده‌ایم و اغلب همه را با یک چوب رانده‌ایم. همین رویکرد باعث شده صدای معترضان شنیده نشود و در مواردی، ناخواسته آنان به سمت ناآرامی و اغتشاش سوق داده شوند.

از این منظر، تغییر رویکرد دولت قابل توجه و قابل دفاع است. با این حال، هر حرکت مثبتی را باید متناسب با ظرفیت و پتانسیل آن ارزیابی کرد و از آن انتظار نتیجه داشت. اگر قرار است صدای معترضان شنیده شود، نباید منتظر شکل‌گیری اعتراض خیابانی، تظاهرات یا ناآرامی در بازار و خیابان ماند تا به یاد گفت‌وگو بیفتیم.

در کوتاه‌مدت، اقدام دولت در گفت‌وگو با بازاریان و تلاش برای رسیدن به جمع‌بندی مشترک، حرکتی ارزشمند است و نباید از آن غافل شد. این رویکرد را می‌توان نشانه‌ای از تغییر نگاه دولت دانست.

اما اگر دولت بخواهد این مسیر را به‌صورت مستمر ادامه دهد، ناگزیر است سازوکارهای لازم آن را فراهم کند. مهم‌ترین و مؤثرترین راهکار برای گفت‌وگو با بدنه جامعه و شنیدن صدای اعتراض، تقویت تحزب است. متأسفانه در کشور ما حزب و تشکل به معنای علمی و واقعی آن وجود ندارد.



آچه گاه‌وبیگاه در موسم انتخابات با نام حزب ظاهر می‌شود و سپس ناپدید می‌گردد و از اقبال عمومی برخوردار نیست را نمی‌توان حزب دانست. دولت برای پیشبرد این مسیر، نیازی به اختراع دوباره چرخ ندارد؛ در همه جای دنیا اعتراض، نقد و مطالبه وجود دارد، اما این مطالبات از طریق احزاب کانالیزه و دسته‌بندی می‌شوند و دولت می‌داند با چه گروهی و بر سر چه خواسته‌ای گفت‌وگو می‌کند.

این حرکت، در عین ارزشمندی، با چند چالش اساسی مواجه است. نخست آنکه بسیار دیر به این نتیجه رسیده‌ایم که هر معترضی آشوبگر نیست و نمی‌توان با تهدید، تنبیه و برخورد‌های قهری همه را یکسان دید. البته این تأخیر را نمی‌توان صرفاً متوجه دولت آقای پزشک‌های دانست؛ چراکه ایشان مدت کوتاهی است مسئولیت را برعهده گرفته‌اند. نکته دوم این است که این تغییر رویکرد در زمانی رخ می‌دهد که بخش قابل توجهی از جامعه، به اشکال مختلف گلايه مند یا ناراضی است و حمایت فعالی نیز نشان نمی‌دهد.

دولت باید هرچه سریع‌تر دست به اقدام بزند. بسیاری از مردم، حتی آنان که در انتخابات شرکت نکردند، کنار ایستاده‌اند به امید آنکه دولت بتواند تغییری ایجاد کند. اما وقتی ما بیند اوضاع اقتصادی بدتر می‌شود برای مثال، افزایش بیش از دو برابری قیمت دلار نسبت به سال گذشته، طبیعی است که دچار سرخوردگی شوند. جامعه سرخورده اگر راهی برای بیان مؤثر مطالبات خود نیابد، به سمت اعتراض حرکت می‌کند و اگر این اعتراض پاسخ مناسبی نگیرد، دست‌های بیرونی تلاش خواهند کرد آن را به آشوب و بی‌ثباتی تبدیل کنند.

بنابراین اقدام دولت آقای پزشک‌های بسیار ارزشمند است، اما نباید به این حد بسنده شود. این رویکرد باید توسعه و گسترش یابد، سازوکارهای آن به‌ویژه تحزب واقعی و انتخابات آزاد به‌طور جدی دنبال شود و از همه مهم‌تر، در شرایط فعلی، رسیدگی به معیشت مردم در اولویت قرار گیرد. تورم بالای ۵۰ درصد با یارانه‌های ناپایز جبران نمی‌شود و نیازمند تصمیمات اساسی است.

همچنین، تعامل با جهان و عبور از فشارهای تحمیلی ضرورتی انکارناپذیر به شمار می‌رود؛ موضوعی که خود آقای پزشک‌های نیز بارها به آن اشاره کرده‌اند. اگر این اصلاحات به‌طور جدی دنبال شود، می‌توان امیدوار بود که روند امور به‌تدریج به سمت بهبود حرکت کند.

نقی آزاد ارملکی، جامعه‌شناس در گفت‌وگو با «ایران»:

دولت پزشک‌های مدنی تراز گذشته با اعتراضات روبه‌رو شد

گفت و گو

نقی آزاد ارملکی، جامعه‌شناس برجسته کشورمان، در گفت‌وگویی اختصاصی با «ایران»، رویکرد مدنی دولت پزشک‌های در مواجهه با اعتراضات را گام مثبتی نسبت به ادوار گذشته ارزیابی می‌کند و تأکید دارد که پذیرش اعتراضات، گفت‌وگو با نمایندگان اصناف و بازاریان، و تغییرات در سیاست‌های یارانه‌ای، نشانه‌ای از بلوغ سیاسی است. او اصرار بر مذاکره با گروه‌های معترض را راهکاری دفاعی می‌داند و پیشنهاد می‌دهد مشکلات را به‌عنوان یک چالش اقتصادی و سیاسی (و خاص (جوانان، زنان و قومیت‌ها) تقسیم کرده و شوراهای تخصصی برای حل بحران‌ها تشکیل شود.

آزاد ارملکی ادعاهای ننانیاهو و ترامپ را توطئه سازی تعبیری می‌کند و خواستار نقش‌آفرینی نخبگان ملی و طبقه متوسط برای انسجام اجتماعی است. او از صدواسیمای می‌خواهد فراگیرتر شود و صدای گروه‌های متنوع را منعکس کند. او می‌گوید: ایران نیاز به تبدیل اعتراضات به جنبش‌های اصلاحی دارد. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید:

مواجهه دولت با اعتراضات را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
آبادر مقایسه با ادوار قبلی تفاوت‌های محسوسی به چشم می‌آید؟

دولت آقای پزشک‌های با اعتراضات به‌طور کامل مدنی برخورد کرد. در یک مرحله، هم سخنگوی دولت و هم خود دولت و خود آقای پزشک‌های اعلام کردند که با شرایط ناپایمان اقتصادی ما، افزایش قیمت‌ها و خیلی از این‌ها، طبیعی است که جامعه اعتراض کند. پس به‌نظر من این یک گام خیلی مثبت در ایران است که دولت با اعتراضات روبه‌رو می‌شود و آن را می‌پذیرد. بعد هم اقدام دوم این است که بعضی از نمایندگان معترضین مثل بازاری‌ها می‌نشینند و گفت‌وگو می‌کند و کمیته‌ای برای دستیابی به راه‌حل‌ها تشکیل می‌دهند، ولی جنب اعتراضات به‌گونه‌ای است که فراگیرتر از این‌هاست. البته گام سوم هم که دولت برداشته، تغییر در سیاست یارانه‌هاست که حالا اینکه اساساً جواب بدهد یا نه، بحث دیگری است؛ ولی به‌نظر می‌رسد الان هم دولت پیگیر

است و هیچ‌وقت خشونت‌آمیز عمل نکرده، با اینکه در بعضی جاها هم البته اعتراضات به خشونت کشیده شده است. به‌نظر من در مجموع، رفتار دولت در مقابله با اعتراضات در مقایسه با گذشته مدنی‌تر بوده و امید می‌رود که اگر چنانچه دولت کانون تصمیم‌گیری‌های نظام اجتماعی و سیاسی قرار بگیرد، فرآیند مواجهه با بحران‌ها بهتر شود.

چرا اصرار دولت به گفت‌وگو با نمایندگان اصناف، بازاریان و معترضین راهکار قابل دفاعی است؟ چه مزیت‌هایی دارد؟
خب مزیت آن این است که اولاً نمایندگان گروه‌های معترض به میدان می‌آیند، یعنی گروه‌های معترض با نام و نشان به میدان خواهند آمد تا گروه‌های کور، به‌نظر من این وجه مثبت این قضیه است و دیگر نمی‌تواند یک گروهی مثلاً به‌طور پنهان نباشد، اعتراضاتی بکند و برود و توده‌وار و کور باشد؛ این حسش است. مورد بعد هم این است که بالاخره یک اصلاحاتی شکل می‌گیرد؛ مثلاً شما تغییر رئیس

بانک مرکزی را دارید؛ حالا آقای همتی خوب است یا بد، من کاری ندارم، ولی یک تصمیمی بود که گرفته شد. اینجا کسانا باید هر چا تغییر و ترمیم لازم است ادامه یابد. پیشنهادهایی که من دارم این است که اساساً مشکلات را به دو دسته تقسیم کنیم؛ یکی مشکلات عام مثل ناآرامی، مشکلات اقتصاد و امثال این‌ها؛ و یک سری مشکلات هم مربوط به گروه‌های خاص و ویژه است مثل جوانان و زنان؛ همان چیزهایی که در شعارهای آقای رئیس‌جمهور بود. باید برای هر یک از آنها، سیاست‌هایی را پیش ببرد. به‌جای اینکه در این کشور این همه شوراهای مختلف داشته باشیم، باید شورهایی برای حل مناقشات داشته باشیم؛ مثلاً یک شورا برای بحث علم و کارآمدی لازم داریم، یک شورا باید داشته باشیم در باب دفاع از حقوق ملی کشور، یک شورا در باب سیاست خارجی، یکی دیگر در حقوق قومیت‌ها و اقلیت‌ها، یک شورا دیگری باید در باب تنظیم رابطه دولت و مردم باشد. ببینید اینها یعنی دولت باید خود را براساس

بحران‌ها بازسازی کند، نه اینکه براساس یک شاکله اداری کم کارکرد. شورای دانشگاه باید داشته باشیم، شورای دانشجوی و شورای ارتقای دانش.

چگونه می‌توان از بروز خشونت در اعتراضات می‌رود می‌گوید؟
مردمی جلوه‌گیری کرد؟ آیا این مسئولیت یک طرفه است یا دوطرفه و خود معترضین هم باید در این زمینه مسئولیت‌پذیر باشند؟

برای جلوه‌گیری از خشونت باید آسیب‌ها و مشکلات را شناسایی کرد؛ نقاط و مراکز و زمینه‌های بروز خشونت را مورد شناسایی قرار داد. باید دقت کنیم؛ ببینید باید به اعتراضات مسیر بدهیم تا به یک جای خاصی بروند، نه اینکه هر جای شهر بتوانند عمل کنند. اعتراضات باید شنیده شود؛ اعتراضات تاکنون مورد شناسایی قرار نگرفته. اگر این کار بشود، به‌نظر من خشونت کاهش پیدا می‌کند.

ادعاهای خارجی، مشخصاً ننانیاهو و ترامپ، از مردم ایران را چگونه باید تعبیر کرد؟ آیا آنها خیرخواه مردم ایران شدند؟

ببینید ما خیلی الان گرفتار یک دشمن بیرونی شده‌ایم: ترامپ، ننانیاهو به‌اضافه اروپا. اروپا، آمریکا و اسرائیل هر سه با هم یک بنیانه متحد دارند. هدفشان علیه ایران، فروپاشی نظام و تنبیه کسانی است که تا این زمان برای

برپایی این کشور تلاش کرده‌اند. این حرف‌ها الان خیلی به‌نظر من چیز عجیبی است؛ باید این را یک جوری تعبیر کرد. یعنی ملی‌های ما باید مسئولیتی را که تا دیروز همچنان این دوروایت را می‌کردند و روایت واحد داشتند، صورت‌بندی نکنند. ببینید ما نیاز به کسانی داریم که بگویند چرا دشمن و چرا آمریکا دشمن است و کجا را می‌خواهند بزنند؟ آیا می‌خواهند فقط رژیم عوض کنند، یا می‌خواهند ایران را اشغال کنند؟ بعد ما باید بحث را از براندازی به اشغال سرزمینی ببریم.

چه کسی می‌تواند این کار را بکند؟ کسانی که نماد فرهنگ و تمدن و هویت ایرانی و ملی هستند؛ آن کسانی که در جنگ ۱۲ روزه به کمک آمدند، آنها دوباره امروز باید بیایند؛ حالا نه اینکه فقط وسیله شوند برای حاکمان تابه قدرت برسند، بلکه باید بیایند که کمک کنند ما از این بحران دربیاایم و بعد خود اینها بحران را حل کنند.

ببینید آن نیرو که در جنگ ۱۲ روزه به ما کمک کرد، دوباره به کنار گذاشته شد. حالا که آمدند چه اتفاقی می‌افتد؟ واگذاری کار به دست نیروی دیگری که تا دیروز غایب شده؛ آن نیرو کیست؟ نیروی جامعه مدنی است؛ اسمش را چه بگذاریم، طبقه متوسط؛ طبقه متوسطی که دغدغه‌اش چند چیز است: اخلاق، انسجام، نظم، دموکراسی و توسعه و همه ابزارها و شرایط انجام این چهار امر را هم دارد. اخلاقی است چون ابزارش فرهنگ است؛ برای جامعه اجتماعی، به خاطر اینکه دنبال پیوستگی

باید یک بار مسئولان و همه کسانی که در جامعه ایرانی زندگی می‌کنند تصمیم بگیرند که شورش‌ها را به جنبش تبدیل کنند، عنوان جنبش بر آن بگذارند؛ جنبش‌ها موقعیتی، منطقه‌ای به اصطلاح خاص و معطوف به یک گروه و یک طبقه اجتماعی بشود که اصلاح‌گری در آن اتفاق بیفتد؛ مجموع پاسخ به جنبش‌های اجتماعی یک گام بلند در باب تغییرات اجتماعی است.



باید یک بار مسئولان و همه کسانی که در جامعه ایرانی زندگی می‌کنند تصمیم بگیرند که شورش‌ها را به جنبش تبدیل کنند، عنوان جنبش بر آن بگذارند؛ جنبش‌ها موقعیتی، منطقه‌ای به اصطلاح خاص و معطوف به یک گروه و یک طبقه اجتماعی بشود که اصلاح‌گری در آن اتفاق بیفتد

باید یک بار مسئولان و همه کسانی که در جامعه ایرانی زندگی می‌کنند تصمیم بگیرند که شورش‌ها را به جنبش تبدیل کنند، عنوان جنبش بر آن بگذارند؛ جنبش‌ها موقعیتی، منطقه‌ای به اصطلاح خاص و معطوف به یک گروه و یک طبقه اجتماعی بشود که اصلاح‌گری در آن اتفاق بیفتد

باید یک بار مسئولان و همه کسانی که در جامعه ایرانی زندگی می‌کنند تصمیم بگیرند که شورش‌ها را به جنبش تبدیل کنند، عنوان جنبش بر آن بگذارند؛ جنبش‌ها موقعیتی، منطقه‌ای به اصطلاح خاص و معطوف به یک گروه و یک طبقه اجتماعی بشود که اصلاح‌گری در آن اتفاق بیفتد؛ مجموع پاسخ به جنبش‌های اجتماعی یک گام بلند در باب تغییرات اجتماعی است.



کارگزاران نظام» با حضور رئیس‌جمهوری به عنوان معیاری برای شفافیت در مصاحبه‌های گزینشی خبر داد و گفت: «در آموزش و پرورش نیز برای بیش از ۹ هزار معلمی که درگیر چالش پذیرش سه برابری ظرفیت بودند، احقاق حق صورت گرفت.»

مجموع یک میلیون و ۱۸۳ هزار پرونده مطرح شده در یک سال گذشته برای بیش از ۱۰۰ هزار مورد که قابلیت رد صلاحیت داشتند، با سازوکارهایی مانند «سیر مطالعاتی»، «اخذ تعهد» و «ایجاد فضای هدایت»، فرصت جبران و اصلاح ایجاد شد. «جلیلوند همچنین از رونمایی «دستنامه

هر کدام ممکن است خطاهای خاص خود را داشته باشند و جامعه باید ظرفیت بخشش را داشته باشد. وی تأکید کرد: «گزینش باید به گونه‌ای اجرا شود که به وحدت ملی لطمه نرزد و موجب ایجاد قطب‌بندی‌های آسیب‌زا نگردد. گاه یک اقدام گزینشی نادرست می‌تواند شکافی در جامعه ایجاد کند که ترمیم آن بسیار دشوار است.»

محمدشهاب جلیلود، دبیر هیأت عالی گزینش کشورهم با گرامیداشت یاد امام خمینی (ره)، بر لزوم عمل به فرمان تاریخی ایشان در گزینش تأکید و اظهار کرد: «مبادا با تنگ‌نظری، برخورد سلیقه‌ای یا تخطی از اصل نوزدهم قانون اساسی، جوانان را از قطار انقلاب پیاده کنیم.» به گفته دبیر هیأت عالی گزینش کشور، «از

گزینش‌ها نباید به وحدت ملی آسیب بزنند

جلیلوند: ۱۰۰ هزار پرونده رد صلاحیت با سازوکارهای هدایتی مثبت شد

خبر

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسن خمینی در مراسم تجدید میثاق گزینشگران کشور با آرمان‌های بنیانگذار انقلاب اسلامی، با تأکید بر لزوم خوش‌بینی به خدا و اعتماد به تدبیر رهبری در عبور از چالش‌ها، اظهار کرد: «امروز ما در دوره اقتدار و شکوه دینداری قرار داریم و باید با توکل بر خدا، همدلی و خوش‌بینی به آینده، راه انقلاب را تداوم بخشیم.»

تولیت آستان حضرت امام خمینی (ره) در ادامه سخنان خود، به موضوع گزینش پرداخت و با اشاره به مباحث فقهی و فلسفه حقوق، گفت: